

طراحی امروز در شهر دیروز، مطالعه موردی توس*

دکتر پیروز حناچی^{۱*}، مهندس سیاوش صابری کاخکی^۲

^۱ استاد یار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
^۲ کارشناس ارشد مرمت ابنیه و بافت.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۵/۸/۷، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۵/۱۰/۲)

چکیده:

در جستجوی زمانی از دست رفته و در سخن گفتن با زبان گذشته به آن گونه که به زبان مردمان همه روزگاران شنیدنی آید دشوار است. توس محوطه ای باستانی در شمال مشهد است که امروز بیشتر بقایای باستانشناسی است. این محوطه دوره ها و حوادث زیادی را پشت سر گذاشته است. این تاریخ و بزرگان فرهنگی آن و ارزش های باستانی اش منظری فرهنگی است. حفظ این منظر در طراحی امروزی می بایست لحاظ گردد. مطالعات تطبیقی با دیگر شهرهای تاریخی و رجوع به مستندات و مدارک رفته رفته به آشکار سازی خطوط گم شده می انجامد. این موضوع به همراه سابقه تاریخی فرصت طراحی امروز را فراهم می کند به شکلی که بتواند پیوستگی تاریخی خود را حفظ کند. این نوشتار به این موضوع می پردازد که چگونه در حالیکه شناخت ما از ویژگی های معماری یک سایت تاریخی کم است می توان رؤس تصمیم گیری هایی را مشخص کرد که به هدف سنجش و حفظ مستمر اصالت و یکپارچگی آن تدوین شده است. این کار با تعریف دو سطح کلان و خرد مطالعه و شناسایی حوزه و سطح مداخله با توجه به منشورهای جهانی مقدور می گردد. همچنین به انعطاف پذیری کاربری ها تاکید شده است. اگر چه مطالعه موردی است اما این شیوه می تواند در دیگر سایت های تاریخی نیز استفاده گردد. در این تحقیق به بازشناسی شهر تاریخی تابران توس پرداخته و سطوح مداخله تدقیق شده است.

واژه های کلیدی:

توس، شهر، منظر، باززنده سازی، تابران.

* بر گرفته از طرح تحقیقاتی نوع ششم پایان نامه دوره کارشناسی ارشد مرمت ابنیه و بافت با عنوان: تاملی در باززنده سازی شهر تاریخی توس.

** نویسنده مسئول: تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۶۲۱۳۴، نامبر: ۰۲۱-۶۶۴۶۱۵۰۴، E-mail: Hanachee@ut.ac.ir

مقدمه

شده است و بدین وجه معماری و شهرسازی مردمان ایرانی به شیوه‌هایی قابل شناسایی است. این امر موجب شده است انبوهی از تک بناها، مجموعه‌ها، شهرها و محوطه‌های تاریخی در این سرزمین وجود داشته باشد و نگهداری از آنها به هر هدف که باشد اقتصادی - فرهنگی یا ترکیبی نظیر اینها به روش مندی نیاز دارد. در دهه‌های اخیر در خصوص سه مورد اول روش‌هایی تدوین و تعریف شده است اما به موضوع مدیریت محوطه‌های تاریخی نه با دیدگاه صرفاً باستان‌شناسانه بلکه با نگرشی در مقیاس سرزمین و منظر فرهنگی آن کمتر توجه شده است.

سرزمین فرهنگی ایران محدوده‌ای است که به گواه تاریخ و مطالعات باستان‌شناسی از تاریخ معماری و شهرسازی بلند و با شکوهی برخوردار است سالیان دراز است مردمان این سرزمین تلاش می‌کنند تا رازها و معماهای مختلفی را که برای زیستن در جغرافیای ایران وجود دارد حل و فصل نمایند معماهایی که به واسطه اقلیم غالباً کم‌آب و البته پرمخاطره آن برای این مردم شرایط ویژه‌ای از ساخت و ساز را طرح نموده است. این نکته و نیز موقعیت این فلات در جغرافیای جهانی و گذر اقوام و فرهنگ‌های مختلف ویژگی‌های فرهنگی متنوعی را موجب

طرح مسئله و بیان ضرورت آن

موردی باستان‌شناسی و عدم تدوین مبانی نظری حفاظتی خود می‌تواند بخشی از این عوامل آسیب‌رسان باشد این موضوع در تعداد قابل توجهی از محوطه‌های باستانی ایران تا شهرهای تاریخی صورت پذیرفته است.

روش‌ها و اهداف تحقیق

اساساً اطلاعات درمورد سایت‌های باستانی ایران اندک بوده و از فقدان برخوردار از مدارک متقن و مستند رنج می‌برد همچنین اقدامات انجام شده محدود به چند سایت شاخص است و عملاً تجارب در این خصوص انگشت شمار و الزاماً نه کاملاً عملی است. بدین ترتیب دسترسی به اطلاعات دقیق بسیار دشوار بوده است در خصوص مطالعات تطبیقی نیز از آن جهت که معماری شهری یا شهرسازی ایران به طور موردی کمتر تاریخ‌نگاری شده است مدارک موجود کامل نمی‌باشد اگر چند در حد بحث کارآمد بوده است.

سابقه تحقیق در چنین موضوعی در تالیفات داخلی که به معنای روش‌شناسی و نه توصیفات باستان‌شناسانه باشد در داخل کشور یافت نشد و دسترسی محقق به منابع خارجی بسیار محدود بوده است.

روش تحقیق مبتنی بر رویکردی پیمایشی، توصیفی و اکتشافی بوده است البته در آن بخش که به مشخصات وضع موجود شهر تابران به لحاظ عناصر شهری و جمع‌آوری اطلاعات

رفتارهایی که با محوطه‌های تاریخی در ایران تاکنون انجام شده است عموماً مبتنی بر اخذ پاسخ‌سوالاتی محدود در مورد تاریخ محوطه و یا ویژگی آثار موجود در آن بوده است. این موضوع اگرچه به لحاظ پاسخگویی به ابهامات تاریخی مفید است اما از آنجا که نگرش جامعی در حفاظت و ارائه اطلاعات برخوردار نیست و نیز به نقش این پاسخ‌در زندگی امروزی نمی‌پردازد دارای اشکال است به ویژه عدم وجود طرح‌هایی جامع به جهت انبوهی طرح‌های عمرانی، شهری، ناحیه‌ای و منطقه‌ای آسیب‌پذیری این محوطه‌ها را صدچندان می‌نماید.

یادآوری این نکته که محل استقرار این محوطه‌ها عموماً به واسطه منابع اقلیمی مطلوب یعنی همان خواست امروزی، قرار دارد نگرانی ما را از حوادث تخریب در آبادانی امروزی در این محوطه‌ها فرونی می‌دهد. علاوه بر این نکته ساده به هر حال سایر طرح‌های عمرانی نظیر راه‌سازی، سد‌سازی، تامین خدمات و تاسیسات زیربنایی، ساخت و ساز فضای مصنوع شهری و حاشیه شهر، تغییر کاربری مکرر اراضی و حتی کشاورزی، باغداری و البته تغییرات اجتماعی می‌توانند آسیب‌های جدی به این ثروت‌های فرهنگی وارد آورند اگر این آثار به لحاظ مبانی و اصول نظری چگونگی مداخله از روش و ثبات رای مشخصی برخوردار نباشند عموماً براساس میزان توجهی که به آنها می‌شود و نیز حجم نیازهای زندگی امروزی ساکنان مجاور آنها مدام در کنش و واکنش بی‌حاصل قرار می‌گیرند که حافظان میراث فرهنگی با مجریان طرح‌های ساکنان امروزی خواهند داشت و همچنین مطالعات

(سرپوشیده و سرباز) و بازار زواره بوده که در مدخل ورودی شهر قرار داشته و امروزه از بین رفته است. از این مجموعه تاریخی چهار دروازه، مسجد جامع در جنوب شهر، محلات مسکونی، بازار به فاصله کمی از مسجد جامع و در امتداد شمالی - جنوبی قابل شناسایی است.

در شهر تاریخی کرمان شهر حداقل چهار دروازه اصلی و دو دروازه فرعی قابل شناسایی است دو راسته شمالی - جنوبی و شرقی - غربی که دروازه ها را به هم وصل می کند نظام کلی تقسیم بندی شهر و محلات آن را در بردارد. بازار و راسته اصلی شرقی - غربی است میدان در گوشه غربی هسته مرکزی شهر قرار دارد راسته بازار بخش حکومتی و مذهبی را به یکدیگر متصل می کند مجموعه گنجعلی خان شامل سرا و حمام، بازار، میدان، ضرابخانه، چهارسو و آب انبار هسته مرکزی شهر را تشکیل می دهد. (این هسته در کنار بازار و امتداد آن می باشد) گذرها و محلات در پیرامون این دو راسته اصلی شمالی جنوبی و شرقی - غربی گسترده شده است. مسیر گذرها بیشتر شمال جنوبی - شمال شرقی - جنوب شرقی و شمال غربی جنوب شرقی می باشد (تصویر شماره ۲).

شهر تاریخی شیراز نیز به علت مجاورت با رودخانه شباهت بیشتری با تابران دارد مجموعه شهر شامل محلات متعدد (حداقل یازده محله) راسته بازار، مسجد، کاروانسرا، مدرسه، حمام و غیره را تشکیل می دهد. مرکز محلات و خانه های اعیانی در مسیرها و تقاطع آنها قرار داشته است. برای این شهر حداقل ده دروازه قابل شناسایی است که در پیرامون شهر و باروی آن گسترده شده اند. گذر اصلی و راسته بازار اصلی در امتداد شمال جنوبی است و به دروازه اصفهان در شمال و دروازه های دیگر در جنوب و جنوب غربی مرتبط است.

ارگ یا فضای حکومتی در گوشه شمال غربی قرار دارد و مسجد در مرکز شهر واقع شده است باغ ها و مرکز حکومتی با فاصله ای از مرکز تجاری و مذهبی شهر قرار دارد چون این شهر نیز از منابع آب نسبی برخوردار بوده فضاهای سبز و باغی قابل توجهی را دارا بوده است که عموماً در پیرامون هسته مرکزی شهر گسترده شده است. ارتباط دروازه ها و گذرهای منتهی به آنها با شهر قابل توجه است گذرها از دروازه به صورت واگرا به شهر مرتبط می شوند. شهر از محله نزدیک دروازه اصفهان آغاز شده و تا محله سردرک ادامه می یافته است. هر چه به هسته مرکزی شهر نزدیکتر می شویم تعداد گذرها زیادتر و طول آنها کمتر می شود به عبارتی شبکه گذرها در هم تنیده تر می شود تا بتواند ارتباط ساده تر را بین مراکز اصلی و عناصر اصلی شهر برقرار نماید یک محله لب آب نام دارد که با محله رودبار در تابران توس قابل قیاس است مجموعه منصوریه در مسیر اصلی گذر لب آب نیز از مراکز محلات و باغ - خانه ها برخوردار شده است (تصویر شماره ۳).

با نواحی پیرامونی به تدریج متحول گردید. بنابراین شهرها محصول روابط متقابل میان محیط های فرهنگی و طبیعی خود می باشند.

متأسفانه شهر تاریخی توس که اینک سه روستا را در بردارد فاقد طرح های هادی روستایی یا جامع شهری است لیکن طرح آمایش منطقه در دست تهیه است همچنین طرح ناحیه ای شهر مشهد توسط سازمان مسکن و شهرسازی استان تهیه گردیده است.

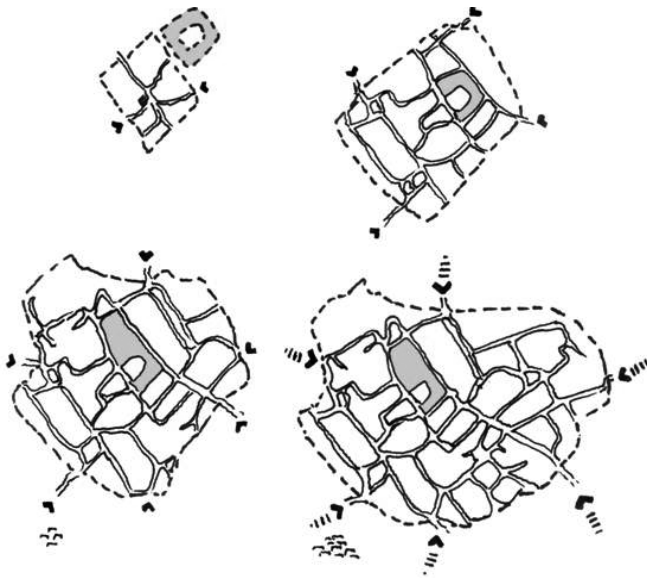
۲- بررسی تطبیقی چند نمونه از شهرهای ایران^۲

۱-۲- شهرهای مورد بررسی در مقایسه شهرسازی تابران قبل از آنکه کاوش ها تمام شده باشد و به قصد ارائه طرحی که مدیریت یک محوطه تاریخی را با نیازهای امروزی ارائه نماید علاوه بر کلیاتی که بدان اشاره شد می تواند مفید باشد. به ویژه اگر این قیاس با عناصر موجود در شهرهای تابران یعنی حصار، دروازه ها، کهندژ (ارگ)، مراکز مذهبی، گذرها و مراکز صنعتی، باغ ها، رودخانه و پل های تاریخی قابل انطباق باشد (حبیبی، ۱۳۸۰).

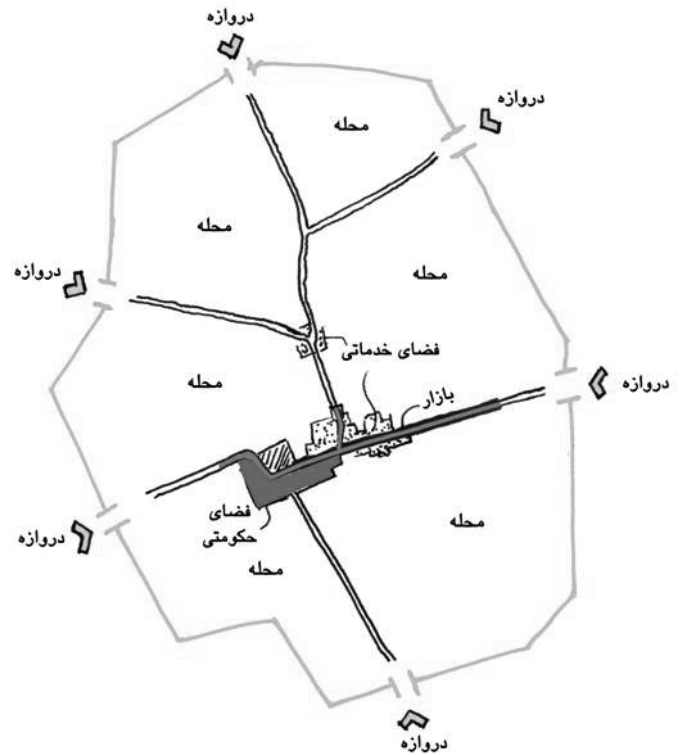
نحوه اتصال هسته مذهبی، حکومتی و تجاری شهر به یکدیگر، دروازه ها و ارتباط و دسترسی آنها به محلات اصول کلی را تداعی می کند. قسمت حکومتی شهر در گوشه ای از آن (مشابه تابران که در شمال غربی قرار دارد، هسته مذهبی در مرکز و بازار اتصال بین این دو مجموعه و محلات مسکونی را برقرار کرده است) (تصویر شماره ۴).

یکی از شهرهایی که مدارک نسبتاً قابل قبولی از روند توسعه شهر در آن یافت شد شهر نائین است. هسته اولیه اتصال بخش حکومتی به محله های مسکونی از طریق فضاهای کشاده میدان گونه است. باغ ها و بخش حکومتی هنوز فاصله خود را با هسته مسکونی حفظ می کنند. در مرحله بعد و قرون اولیه هجری اتصال بخش حکومتی به بخش مسکونی به ویژه با حذف تفکر طبقاتی برقرار می گردد باغ های گذشته بخشی از فضای مسکونی شده و البته به حاشیه رانده می شوند (توسلی، ۱۳۷۰) (تصویر شماره ۱). در مرحله بعد یعنی تا قرن پنجم هجری قمری بازار به عنوان یکی از نقاط شاخص شهری گسترش خود را حفظ و اتصال خود با بخش حکومتی و مذهبی در انتهای آن راسته را حفظ می کند بیگمان اتصال بخش تجارت به حکومت ضرورت این امر را دوچندان می نماید گسترش مسکونی شهر البته با بخش حکومتی فاصله می گیرد.

مجموعه زواره در حاشیه کویر هرچند کوچک و شکلی روستایی دارد اما به جهت ترکیب طرح و عناصر تاریخی دارای اهمیت است. اقتصاد زواره کشت غله و صنایع دستی بوده اما امروزه به علت کمبود منابع آبی زراعت در آن کم اهمیت شده است. محلات زواره در گذشته تقسیم بندی براساس شاغلین حرف داشته است مانند محله بازاریها که مسکن زارعین بوده و یا محله آب بخشان که مکان تقسیم آب بین محلات بوده است. عناصر عمده زواره مسجد جامع، میدان بزرگ و کوچک



تصویر شماره ۱- روند شکل گیری شهر نائین هسته اولیه تا قرن نهم هـ.ق
ماخذ: حسین سلطان زاده، مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران



تصویر شماره ۲- شهر کرمان دروازه ها، محلات، فضای حکومتی و بازار



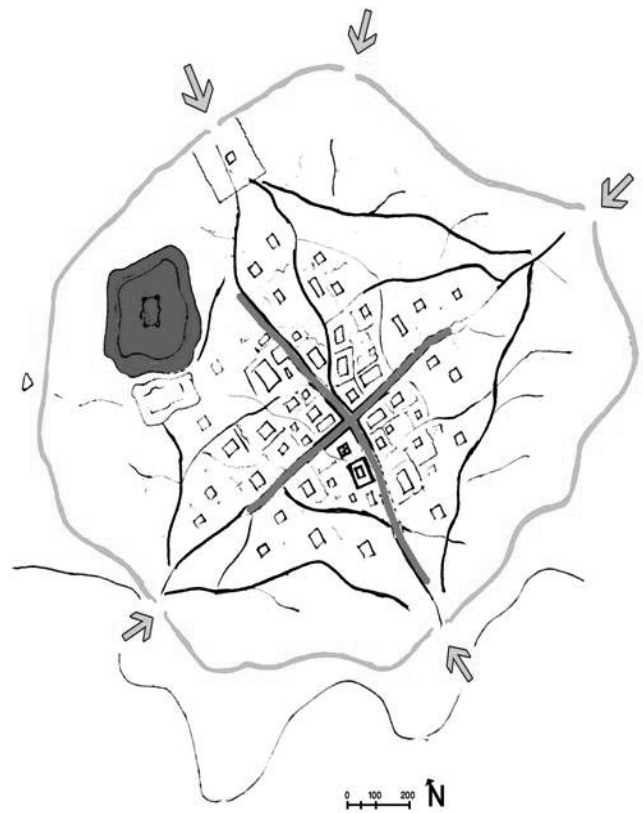
تصویر شماره ۳- شهر شیراز. پیوند فضایی میان عناصر: مرکز شهر و مراکز محلات از طریق گذرهای اصلی در داخل شهر قلعه ای

ماخذ: محمود توسلی، ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران

شیراز

مجموعه شهر قلعه ای مرکب از ۱۱ محله بوده است. مجموعه مرکز شهر متشکل از عناصر مختلف از نزدیک دروازه اصفهان شروع می شده و تا محله سردرگک ادامه داشته است. عناصر اصلی مجموعه مرکز شهر را مسجد، راسته بازارهای مختلف، کاروانسرا، مدرسه، حمام و ... تشکیل می داده است. مراکز محلات و خانه های اعیانی در مسیر یا تقاطع گذرهای اصلی شهر قرار داشته، مانند مجموعه منصوریه در مسیر گذر اصلی لب آب و یا مسیر سردرگک در مسیر گذر اصلی سر دزک. محلات شهر عبارت بودند از:

- ۱- محله اسحاق بیک
- ۲- محله بازار مرغ
- ۳- محله بالاکفت
- ۴- محله درب شاهزاده
- ۵- محله درب مسجد
- ۶- محله سرباغ
- ۷- محله سردرگک
- ۸- محله سنگ سیاه
- ۹- محله لب آب
- ۱۰- محله میدان شاه قدیم
- ۱۱- محله یهودی ها



تصویر شماره ۴- تصویر بازسازی فرضی تابران توس
ماخذ: مطالعات نگارنده

به نظر می رسد مرکزیت این شهر در پیرامون بنای فعلی هارونیه و البته مسجد مدرسه مکشوفه باشد اگر دروازه های موجود را نه منطبق اما در سو و سمت دروازه های قبل از حمله مغول بدانیم می توان تصور کرد که امتداد بازارهای شهر در راستای دو محور شمالی و جنوبی و غربی و شرقی یعنی راههای منتهی به مرو، نیشابور و نوغان بوده است.

این شکل در تمام شهرهای مطالعه شده تقریباً به صورت یک الگو قابل مطالعه است اتصال این بخش از شهر و دروازه ها به ورودی ارگ توس به عنوان مقر حکومتی قطعیت دارد. در این دوره نسبت به دوره بعدی معماری شهر متراکم تر و وسعت آن نیز کمتر بوده باشد اگر چند تقریباً هیچ بخش کاملاً سالمی از شهر دوره قبل از حمله مغولان برجای نمانده اما می توان بخشی از آثار و بناهای شاخص و عمومی شهر را بازبانی کرد مسجد جامع و ارگ شواهد یافت شده هستند سیستم آبرسانی موجود در شهر که مربوط به پیش از حمله مغولان است عموماً در امتداد غربی - شرقی یا شمال غربی، جنوب شرقی است که منطبق بر شیب طبیعی زمین است و قطعاً با توجه به حرکت ثقلی آب گریزی از آن نبوده است منطقی است که این شبکه آبرسانی چه آنجا که از طریق تنبوشه های سفالی تأمین می گردد و یا در اثر حرکت آب جاری در گذرها مقدور می شده خود نماینده محل و سمت و سوی گذرهای شهر تابران باشد.

در هر رو شهر این دوره از تراکم نسبی برخوردار بوده است بناهای عمومی و حکومتی از مصالح آجری، سنگی، و کمی هم خشتی و بناهای خصوصی، مسکونی و نظایر آنها بیشتر خشتی بوده اند، گذرها از سنگ قلوه یا سنگ های رودخانه ای بوده و شهر از فضای سبز باغی نسبتاً قابل توجهی برخوردار بوده است در این شهر بناهای ویژه ای به سبب بیان معماری آنها به لحاظ فرم شناسی و یا ویژگی های تاریخی مثلاً به سبب آنکه بزرگانی تدریس کرده اند یا بانی آن بوده اند اهمیت دارد (یعنی به سبب فرم شناسی معماری دوره سامانی تا سلجوقی به جهت فرهنگی نیز ارزش نمادی آنها).

۲- شهر ایلخانی - تیموری؛ این شهر پس از یک دوره کوتاه بنا گردیده است روشن است به سبب حادثه عظیم حمله مغولان ابتدا نباید در جستجوی معماری بسیار غنی باشیم اما رفته رفته فضاهای باغی احیاء شده و سکونت در تابران جریان می باید در این حال تدریجاً معماری فضاهای عمومی و حکومتی شکل می گیرد یا بازسازی می شود.

بعید به نظر می رسد که بخش های اصلی و کلیات شهرسازی توس دگرگون شده باشد زیرا این دگرگونی می بایست از نظر نیازهای اقلیمی، محیطی یا دلایلی که موجب به وجود آمدن شهر شده است دچار تفاوت و دگرگونی شده باشد از طرفی اگر چند ویرانی بناها در حمله مغولان بعید نیست اما این حادثه بیشتر در بناهای حکومتی رخ داده است و شیرازه شهر ثابت می ماند. اگرچه کیفیت ساخت و ساز به دلایل روشنی نظیر ضعف اقتصادی

به طور کلی در تمامی شهرهای مورد بررسی علاوه بر بازار اصلی فضاهای لازم برای چهار عملکرد مذهبی - فرهنگی (مسجد، حسینیه، تکیه، مدرسه، بقاع متبرکه)، حکومتی (ارگ، دیوانخانه، کاخ های پذیرایی، طویله، اصطلب و میدان مشق، فضاهای باز شهری (میدان های عمومی، میدانچه، تکیه های روباز) و محلات مسکونی دیده شده است.

به نظر می رسد تمام فضاهای مربوط به کاربری های عمده شهری به شکل ارگانیک حول محور اصلی استخوان بندی (بازار شهر) جای گرفته اند، مرکز شهر پیرامون راسته بازار اصلی شهر شکل گرفته است، استقرار فضای عملکردهای عمده شهری پیرامون بازار تابع الگوی ثابتی نبوده است و شکل مراکز شهری غالباً خطی است. مراکز عملکردی شهر چندان به مرکز هندسی شهر وابسته نیست از هر دروازه شهر حداقل یک دسترسی به مرکز شهر احداث شده است و مهمترین دروازه های شهر را راسته بازار به هم متصل می کرده است. راه های درون شهری پیوند محله ها و عملکرد های پراکنده در سطح شهر را با مرکز شهر برقرار می کرده اند. سمت استقرار بازار با جهات جغرافیای ارتباطی ندارد بلکه وابسته به مکان یابی جغرافیایی سایر شهرها و دروازه هایی بوده که به سوی شهرهای عمده پیرامون باز می شده است. سطوح اختصاص یافته به فضاهای حکومتی وابسته به وسعت و اهمیت شهر بوده است وسعت فضاهای باز شهری بیشتر به روحیات فرهنگی، الزامات اجتماعی و طبقاتی و نظایر اینها وابسته است تا جمعیت شهر یا وسعت آن.

۲-۲- نتیجه گیری و تحلیل از مطالعات

اگرچه شهرسازی در تابران متأثر از ویژگی های دوره های تاریخی خود است اما به نظر می رسد می توان کلیات این شهرسازی را به دو دوره قابل تمایز تقسیم نمود این دو دوره عملاً لایه های باستانی محوطه تاریخی هم هستند لایه اول یا لایه قدیمی تردوره سامانی، غزنوی و سلجوقی و لایه متأخر پس از حمله مغول یعنی دوره ایلخانان و تیموری، مجموعه مستندات تاریخی و اشاراتی که در متون شده بود به همراه نتایجی که از مطالعات باستان شناسی چه به روش میدانی و یا روش های ژئوفیزیکی^۲ حاصل شده است نشان می دهد که این تمایز به ویژه از آنجا که به اصول و مبانی نظری طرح مرتبط خواهد شد قابل تأمل است از طرفی لایه های متأخرتر نظیر دوره صفویه و یا قاجار فاقد اهمیت طرح در موضوع هستند.

۱ - شهر سامانی، غزنوی، سلجوقی آنچه از متون و مطالعات میدانی قابل تحقیق است آنکه شهر تابران در این بخش از تاریخ شهرسازی خود از سازمان فضایی منظم و البته مستحکمی برخوردار بوده است مسجد جامع شهر و به ویژه نظامیه منتسب به خواجه نظام الملک توسی، باغ منصوریه، بازار شهر و کوی های متعدد نشانه ای از ویژگی هایی است که در شهرهای اقتصادی دوره های سامانی تا سلجوقی بوده است.

اندیشمندان، هنرمندان، نویسندگان و شاعران ریشه می گیرد. بسیاری از منظرهای فرهنگی به روند تکاملی خود ادامه می دهند: چالش مدیریت، این است که فرآیند تغییر مزبور را چنان هدایت کند که کیفیت های بنیادین منطقه، احیا شود. منظرهای فرهنگی، به مردم گونه ای حس هویت می بخشند: هم گروه های اجتماعی و هم افراد، از آنان حس تعلق به یک مکان را می گیرند. این خود می تواند نمونه ای کلاسیک کاربری پایدار اراضی باشد و اغلب، زمینه ای برای چندگانگی زیستی فراهم می آورد. افزون بر این، بسیاری از منظرهای فرهنگی، در بر دارنده نخبه مهمی از چندگانگی زیستی، در غالب محصولات عمده و یا نمونه های زنده [جانوری] در نظام سنتی کاربری زمین اند. این منظرها، دارای طیفی از چندگانگی فرهنگی هستند که هر یک می تواند اندر کنشی با محیط طبیعی، در مکانی ویژه داشته باشد.

منظرهای فرهنگی، دارایی فرهنگی بوده و نمایانگر کار مرکب و طبیعت و انسان اند منظرهای فرهنگی نشان دهنده عینی تکامل جامعه انسانی و استقرارها در طول زمان اند که تحت تاثیر محدودیت های فیزیکی و یا فرصت های ارائه شده توسط محیط طبیعی و نیرهای اجتماعی، اقتصادی فرهنگی متوالی چه از نوع خارجی و چه داخلی قرار دارند. منظرهای فرهنگی اغلب بازتاب دهنده تکنیک های ویژه کاربری پایدار زمین اند و در این راه ویژگی های و محدودیت های محیط طبیعی مادر خود، و نیز ارتباط ویژه معنوس با طبیعت را لحاظ می کنند. حمایت از منظرها می توان فنون مدرن کاربری زمین را ارتقاء داده و بر ارزش های طبیعی منظر بیافزاید. وجود پیوسته فرم های سنتی کاربری زمین، پشتیبانی کننده چندگانگی های زیستی در مناطق گوناگون جهان است. بنابراین حمایت از منظرهای فرهنگی سنتی، برای حفظ گونهای زیستی نیز مفید است.

۴- اصول طراحی^۶

هر اثر معمارانه ارزشمند، نمایانگر سه گونه موجودیت قابل تمییز است که از امیختگی ماده و شکل آن، از آمیختگی مقارن با وحدت یافتن شکل نمادین و شکل ساختاری آن، تحقق یافته اند؛ به شرح زیر:

- ۱- موجودیت زیبایی شناختی
 - ۲- موجودیت تاریخی (زمانی - مکانی)
 - ۳- موجودیت ساختاری
 - ۴- محتوای مفهومی معماری
- ۱-۴- بار فرهنگی؛ حاکی از ارزش های اجتماعی - ادبی، از اندیشه هایی به ابعاد محلی و محلی - جهانی، از سنت ها و رفتارهای محیطی فردی و فردی - گروهی.
- ۲-۴- بار هنری؛ حاکی از ابداعات و آفرینش هایی در شکل و معنا، از ترکیب های از چیزهایی که خوش آیند و چشم نواز، دلپذیر و برانگیزاننده سیر در در تصور و در خیال اند.

و امنیت نازل شده باشد آنچه روشن است ثابت ماندن ارگ حکومتی و مرکز مذهبی شهر است همچنین دروازه های شهر دچار تغییر مکان نشده اند دلیل این امر یکی وجود و ثبات پل های روی رودخانه کشف رود است در مقابل دروازه نیشابور و رودبار که به یقین در نزدیکی دروازه اند و دیگری موقعیت آرامگاه فردوسی که در صورت صحت مکان آن ثابت دروازه رزان را نشان می دهد^۴ (خیر ابادی، ۱۳۷۶).

آنچه در این بحث اشاره بدان مقدر است اینکه در فضای شهری اگر چند یکپارچگی و اندامین بودن آن حتی با وجود باغ ها و فضاهای گشاده اعم از میادین یا فضاهای سبز انکارناپذیر است اما در اندیشه طرح ما امروزه با محوطه ای روبرو هستیم که دیگر فضای شهری نه به سبب عملکرد عناصر در شهر بلکه به سبب نمایشگاهی که نمایانگر ویژگی های تاریخی و هنری گذشته باشد مورد توجه قرار می گیرد.

۳- اصول و مبانی نظری طرح

منظرها، منظر فرهنگی^۵

شناسایی منظرها، برانگیزاننده فکر است و این تنها به صرف مفهوم میراث جهانی محدود نمی شود. ایده های مرتبط با منظرها، چه در فهرست میراث جهانی باشند یا نباشند، در آینده شکوفاتر خواهند شد که بازتاب دهنده تغییر و زمان است (لباف، ۱۳۷۹).

به یک دلیل، دورنمای یک منظر فرهنگی، آشکارا مبین تاریخ یک مکان و سنت های فرهنگی آن، افزون بر ارزش های اکولوژیکی آن است (Bugg & Mitchell، ۲۰۰۰، ۴۵) و این خود با ارزش ترین نکته قابل یادآوری، برای هر کسی است که به هر نحو، با مطالعه، مدیریت و توسعه منظر، سر و کار دارد. حتی اگر خداوند منظر را در رتبه نخست آفرینش قرار داده باشد، باز هم منظر مزبور، دست کم تا میزانی معین، و اغلب قابل توجه، توسط انسان دچار تغییر می شود. به مراتب بهتر است در عمل با این فرض آغاز کرد که چیزی به نام منظر بکر وجود ندارد؛ بگذریم از طبیعت بکر [که ابداً بحث آن مطرح نیست بدین معنی که چیزی در گذشته در آنجا رخ داده و در نتیجه، چیزی به نام "تاریخ" وجود خواهد داشت و یا به عبارت دیگر، چیزی "قابل ردیابی خواهد بود"؛ از زندگی یک گیاه گرفته تا یک شاهد باستان شناسی، یا مستند سازی.

منظرهای ایده ها

صرفاً با شناسایی "منظرهای فرهنگی"، و البته در مورد میراث های جهانی با تعیین "ارزش های" آنها، عملاً جنبه های مفهومی و ملموس را بیش از پیش گرد هم آورده ایم. ناگفته پیداست که این مفهومی متعلق به همه فرهنگ ها است که در چارچوب آن می توان پی برد که در کنار "جهان چیزها"، جهان ایده ها نیز وجود دارد که خود، از روایات سنتی، فولکور، هنر و موسیقی، و نیز

محدودکننده نیستند اما اجرای آنها به موازات ضوابط ضامن پیشبرد راهبردها خواهند بود. بخشی از این راهبردها ممکن است تا مقیاس، تثبیت، تغییر، تعریف کاربری ها و ضوابط آنها پیش رود.

۴- در سطح خرد علاوه بر ضوابطی که در سطح کلان بازشماری شد طراحی در مقیاس ۵۰۰۰ : ۱ یا ۲۰۰۰ : ۱ انجام می شود و روش های مداخله در محدوده عرصه و حوزه نفوذ کاملاً مؤثر اثر یا میراث معمارانه و هنری تعریف می گردد. در تمامی این مراحل تفکیک و طبقه بندی دوره ها، لایه ها و سطوح در تصمیم گیری مؤثر خواهد بود

۴-۳- بار تاریخی؛ حاکی از صحنه هایی که سه عامل اصلی ترکیب شان کرده و به آنها شکلی ملموس داده اند: یک (یا چند) رویداد تاریخی، فضای مکانی ای تجدید شده و تعریف شده، فضای زمانی خاص و یا معینی که آغاز و انجام رویداد تاریخی ملحوظ و ارزشمند (برای انسان های بعدی) در پهنه اش تحقق یافته اند (فلامکی، ۱۳۷۴).

۴-۴- بار فنی - علمی؛ حاکی و یا در برگیرنده ارزش های ابداعی فنی - مهندسی

۵- نتیجه گیری: راهبردها و ضوابط طرح

۵-۲- باززنده سازی شهر تاریخی تابران توس:

مطالعات تاریخی و مراجعه به مستندات که در بخش اول و دوم این نوشتار بیان شد نتایج زیر را حاصل می نماید.^۷

۱- نخست آنکه توس چه به منطقه اطلاق گردد چه شهر تابران پیش از آنکه به لحاظ اصول و مبانی شهرسازی یا ویژگی های تک بناهای منفرد و آثار تاریخی و میراث معمارانه ارزشمند باشد به لحاظ فرهنگی و نقشی که در اسطوره شناسی ایرانی، رجال و بزرگان و مشاهیر آن و نقش سترگش در نظام فرهنگی، سیاسی و علمی ایران قابل توجه است.

۲- هر برنامه ریزی در سطح خود تابران (توس) می بایست منطقه توس و انسجام فرهنگی آن را مدنظر داشته باشد شناسایی این انسجام در آثار تاریخی قید شده در جدول آثار تاریخی منطقه توس مندرج در فصل یکم و نیز ویژگی های اقلیمی و طبیعی و نیز رفتارهای مردم شناسانه و شاید صنایع دستی آنها در آخرین سطوح قابل بیان است.

۳- این ویژگی و قابلیت یعنی حجم بالای گردشگری وجود آرامگاه استاد سخن حکیم ابوالقاسم فردوسی توس، نزدیکی به کلان شهر مذهبی مشهد و قابلیت های بالقوه دیگر مورد تاکید است که هر طرحی باید با اطلاع از حجم بالای بازدیدکننده و پاسخگویی به گردشگر فرهنگی باشد.

۴- برخی کاربری ها و شرایط موجود به طور کاملاً روشنی برای هدف تهدید تلقی می گردد بخشی از این تهدید به صورت آسیب و آسیب عوامل انسانی یا محیط مصنوع جلوه نموده است.

۵- هر برنامه ریزی ناگزیر از سنجش شرایط اجتماعی موجود در محدوده مطالعه است.

ب- ۱- دیگر آنکه مطالعات تاریخی بخش هایی از شهرسازی توس را برما آشکار کرده است این بخشها در هر دو دوره قابل تمایز شهرسازی آن یعنی پیش و پس از حمله مغول بازشناسی می گردد نخست حصار که برگرداگرد شهر کشیده شده است و دروازه های آن، مسجد جامع در بازار، بازار شهر، چهارسو (سوق)، کهنه رز یا ارگ کم عمق، محله کنبار، مدرسه منصوریه، هارونیه، آرامگاه فردوسی، کوی ترسایان، کوی کرکر، کوی رودبار، کوی قهستان، کوی جباسای، کوی

براساس اصول و مبانی نظری طرح شده و نیز مطالعات تاریخی انجام شده اینک روشی در تعریف شیوه های مداخله در یک محوطه تاریخی با اندیشه دمیدن روح زندگی (تا حوزه معاصر سازی) و به عبارتی طراحی جدید بر روی شهری که خطوطی مشخص از تاریخ و هندسه شهرسازی گذشته خود دارد عملی خواهد بود.

۵-۱- ویژگی های کلی:

- مطالعات: تمام مطالعات مؤثر بر طرح و البته به طور ویژه مطالعات تاریخی در خصوص آن در حداقل دو سطح باید انجام پذیرد یکی سطح کلان و حوزه نفوذ فرهنگی آن محدوده متأثر از جغرافیای تاریخی و طبیعی منطقه است و دیگری در سطح خود یعنی محدوده طراحی است.

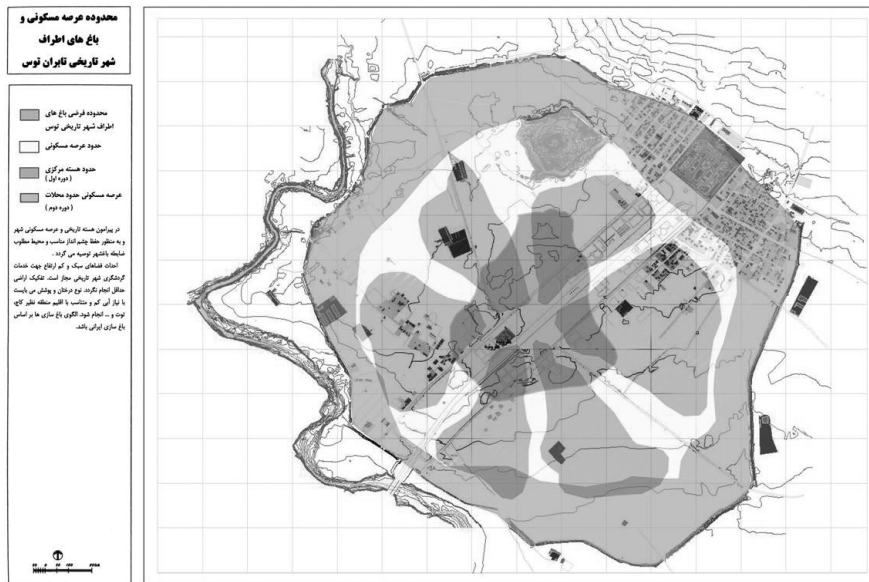
- مطالعات تاریخی، بررسی متون و مستندات به ویژه آنجا که بتوان بخشی از مشخصات اثر، مجموعه یا محیط شهری را اقتباس کرد تاکید می گردد.

- مستندات تصویری عموماً در مورد محوطه ها وجود ندارد یا آنقدر ناچیز است که قابل توجه نیست اما از هر مستند تصویری که به هر حال مربوط به گذشته باشد ممکن است بتوان نتایجی را اقتباس کرد.

- شناسایی کامل وضع موجود در دو سطح کلان و خرد و به طور مشخص ویژگی های اقلیمی، طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، کاربری اراضی موجود، تأسیسات و امکانات، پتانسیل ها، قابلیت ها و تهدیدهای احیاء ارزش های محدوده طرح.

- معمولاً در خصوص محوطه های تاریخی پژوهشهای معاصر انجام شده است که بازشناسی آنها مفید و مؤثر است.

- در سطح کلان: براساس شناختی که از بخش های قبل به دست می رسد ارائه راهبردهای کلی ضروری است این راهبردها ریزپروژه هایی را معرفی می نماید که به بخش های مختلف جامعه باز می گردد بخشی از این راهبردها ضابطه مندانند یعنی محدودیت ها و ممنوعیت ها و یا ضوابطی را مشخص می کنند که حفاظت ارزش ها و پتانسیل ها را موجب می شوند بخشی از آنها توصیه هستند توصیه های الزام آور لزوماً



شهر قرار داشته است که باغ فردوسی یکی از آنهاست. نیز به طور کلی شهر توس شهری است که از باغ ها بهره فراوان گرفته و مدل باغ شهر برای آن فرضیه قابل قبولی است.

۴ - مسیر گذرها علاوه بر آنکه ناچار دروازه ها را به بافت مرکزی وصل می کرده است می بایست از جهت قالب شیب به جهت حرکت آب که عموماً از گذرها بوده است تبعیت کند این مسیر با وجود بندی در شمال غربی کشف رود و تابران و ملاحظه لوله های سفالی به سمت شهر و نیز مطالعه تطبیقی شهرهای اسلامی یاد شده قطعیت می یابد.

۵ - سایر ویژگی های شهرسازی توس صرفاً با مطالعات تطبیقی به جز بررسی های باستانشناسانه میدانی قابل طرح و فرض است.

اسفندیان، دروازه رزان، هرات، مرو، سمرقند، رودبار، رزان، نیشابور، غربی و دروازه شمال شرقی.

۲ - با مطالعات میدانی باستانشناسی حدود مناطق کارگاهی و صنعتی نیز امتداد یک گذر اصلی احتمالاً بازار از دروازه شرقی به غربی به دست آمده است، مسجد مدرسه مقابل هارونیه، بنای حکومتی ضلع جنوبی ارگ و نیز مطالعات ژئوالکترونیک کیفیت چگالی پراکنش آثار در بخش هایی از بلوار موسوم به پردیس را نشان داده است.

۳ - بنابراین عناصر شاخصی از شهرسازی دوران سلجوقی و ایلخانی در تابران قابل بازشناسی است و خطوطی از هندسه تاریخی شهر قابل ترسیم خواهد بود. نیز می دانیم در پیرامون لبه مسکونی شهر حفاصل حصار و لبه مسکونی باغ های

پی نوشت ها:

- ۱ منابع این بخش به طور تفصیلی در مورد ۵ فهرست منابع و نیز رساله ای به قلم نگارنده با عنوان تاملی بر باز زنده سازی شهر تاریخی توس - پردیس هنرهای زیبا دانشکده معماری (۱۳۸۵) آمده است.
- ۲ منابع مورد استناد در این بخش به طور ویژه کتاب ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران دکتر محمود توسلی است البته نتایج مطالعات میدانی نگارنده نیز با توس تدقیق شده است.
- ۳ روش ژئوفیزیک در باستان سنجی که در توس هم استفاده شد مبتنی بر چگالی و رسانایی متفاوت مواد و مصالح است.
- ۴ کاوشهای دهساله اخیر در توس برخی از این نتایج را تحقیق کرده است که گزارش آنها در پژوهشکده باستانشناسی سازمان میراث فرهنگی موجود است.
- ۵ این بخش بسیار از نتایج و اسناد ارایه شده در سمینار علمی منظرهای فرهنگی در تخت جمشید با مشارکت یونسکو در سال ۲۰۰۶ بهره برده است.
- ۶ مبانی نظری از کتاب باززنده سازی بناها و شهرهای تاریخی دکتر محمد منصور فلامکی.
- ۷ بخشی از این نتایج از مطالعات میدانی نگارنده است برای اطلاعات تکمیلی باید به گزارشات منتشر نشده موجود در سازمان میراث فرهنگی و گردشگری خراسان رضوی در مورد توس رجوع شود.

فهرست منابع:

- توسلی، محمود (۱۳۸۱)، ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران، انتشارات پیام، تهران.
- حبیبی، محسن (۱۳۸۰)، از شار تا شهر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- حبیبی، محسن (۱۳۸۱)، مرمت شهری، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- خیرآبادی، مسعود (۱۳۷۶)، شهرهای ایران، ترجمه مافی حامتی نژاد، نشر نیکا، مشهد.
- فلامکی، محمد منصور (۱۳۷۴)، باززنده سازی بناها و شهرهای تاریخی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- لباف، رجیبعلی (۱۳۷۹)، شناخت تابران گزارش منتشر نشده از ارشیو سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، مشهد.
- مقدسی، ابوعبدا.. محمد بن احمد (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، شرکت مولفان و مترجمان ایران، تهران.